

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤیدالاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل‌المتین)
عنوان مراسلات ()
تهران خیابان لاله زار
ناب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

کَمَلِ الْمَلِکِینِ

۱۳۱۱

تهران

قیمت اشتراك سالانه

تهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۲ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قران
(قیمت يك نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

سه شنبه اول ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۴ اردی بهشت ماه حلالی ۸۲۹ و ۱۴ مه ۱۹۰۷ میلادی

(نامردان بی‌غیرت و بی‌مردان بی‌حمیت)

گروهی از مردمانند که بوئی از حقیقت بشامان
نرسیده و حرفی از انسانیت بگوششان نخورده از
زیور دانائی و خبیرت عاری و از حایه بینائی و بصیرت
بی بهره اند
دست قدرت در روز خلقت يك جو قابلیت هر
وجودشان نگذاشته و کار فرمای عالم امکان يك ذره
استعداد در هیكشان ننهاده با اینحال سرهای بی‌مغزشان
بفرور شیطانی آکنده و دماغهای خشکشان از باد تکبر پرست
خود را وارث بالاستحقاق فضیلت و مالک منحصر بفرد
شرافت میدانند بنا بر این چون کسیرا دارای سرمایه علم
و عقل و صاحب نعمت دانش و فضل بینند و پستی و
تنگدستی خود را در مقابل او مشاهده نمایند آتش
بغض در سینه پر کینه شان زبانه کشد و باد حسد
بنیاد حزم و تماسکشان از بیخ بر کند آنوقت سر از پا
نشانند و گاه از بیگانه تمیز ندهند کاریش می‌وقاحت
بالا کشند و لجاجت و عناد را از اندازه بیرون برند
در این موقع است که ملت را یا مال غرض شخصی
خود کنند و مملکت را قربان غصه آئی خود نمایند آبروی مردان
بزرگ بریزند و حرمت بزرگان ببرند مردان کاری را آزردند
و افسرده و از جان خود سیر سازند
آنوقت است که عاقل ترین مردم را دیوانه قلم دهند
تندرست را بیمار و هوشیار را نا هوشیار خوانند مصلح را
مفسد معرفی نمایند خرچنگ را بر شیر پیشی دهند و زانغ را
بر بلبل پیشی نهند طاوس را بیای بینند و شیر را بیوی دهان
نکوهش کنند

این گروه بيمصرف و بیکاره چون بکاری نصب شوند
از عهد انتظام آن بر نیابند و عدم انتظام آنرا از نامساعدی
فان و بهمان گویند چون مرتبه نالایق نصب شوند مفت خود
دانند و هرگز از کاریکه بالا تر از حوصله ایشان است استفا
نخواهند چون مهملی گویند باصرار و تکرار همان مهمل را
اثبات کردن خواهند و چون از استدلال در مانند بلند کردن
صدا که رسم و حشیان است در سبز کردن حرف خود
بکوشند چون مردانه برابری با خصم خود نمیتواند بخدعه
و ترور و حیله و تدبیر در انجام مقاصد خود بر آیند
نا دانرا بفریب و دستان با خود هم‌دستان کنند و بیخردانرا
با قسوت و ریبو با خویش آنباز و همراز سازند و در گوشه
و کنار بعوام وسوسه کنند از این بام بان بام ببرند و از این
شاخ بان شاخ دست اندازند
هر دم بشکلی جلوه کنند و هر آن بجایه در آیند
گاهی چون کودکان عاجز تهمت و افترا زنند وقتی
چون زنان درمانده نفرین کنند اگر میدانرا خالی بینند
مثل جوانان دلاور اسب و قاحت بتازند و چون طرف را بر
زور نگرند چون پیران کار آزموده بتفکر فرو روند
اعتماد خلق را صرف راندن هوای خود کنند و وثوق
مردم را دست آویز اجرای خیالات فاسده خویش نمایند
مانند کرکس یکدسته بیگتن حمله برند و چون او بمردار
گدیده خرسند شوند
این طایفه گمراه و گروه ضلالت پیشه را با این صفات
که گفتیم نامرد گویند چه معنی نامردی این است که انسان
جوهر و قابلیت بقدر بالا بردن رتبه خود نداشته باشد و
اگر بخواهد بر طبق طبیعت و مطابق قانون حرکت کند
بجائی نرسد و بیابگاهی نایل نشود

با این حال حب جاه و ریاست که نشانه غرور و تکبر و بالاخره علامت جهل و نادانی است او را آسوده نگذارد پس از راههای نامشروع و طرق مخالف عقل در تلاش آید و از طرفی ترسوئی و جبونی که عرض لازم فرو مایگی و بی استمدادی است در وجود او ممکن باشد

در اینصورت راه چاره او منحصر بوسائلی است که شرح دادیم چون روشنی روز برده از کارش بر میدارد ناچار شب از خانه بیرون میاید و چون بزور مردان برنیاید باز نان پنجه میافکند

چون دانشمندانرا نمیتواند همخیال خود کنند نادانرا فریب میدهد می بیند راست بگوید و خبث باطنش را ظاهر کند مردود و مطرود میشود دست توسل بدامن دروغگوئی و افترا میزند چون ملتفت است که کار شرارت و فسادش آشکارا ارایش نمیرود زیرجلی و توی حلوت کار میکند سر سفره دوست برای خود میترشد و بوعده و نوید مردمرا بخود امید وار میکند

بازی در ضمن اعمال این اعمال شنیعه بیشرمی و پر روئی و بیفبرنی و بیحیثی ملکه و عادت و جزو طبیعتشان میشود و چون این صفات اخیر در ایشان است از هیچ کار ناشایسته و ناپسند باک ندارد عاقبت اعمال ناشایسته را پروائی ندارند برای یک دستمال قبضه بر آتش میزنند و برای یک پیاز نفس محترمه را بقتل میرسانند اینطور اشخاصرا باید عموم ملت بشناسند آنها را محرم رازهای خود نسازند و کارهای خویشرا بدست ایشان ندهند و عوام ملت با آنها فریب آنها را نخورند و دست آویز خیالات باطله ایشان نشوند هرکس همراه ایشان رود سر لگون بچاه بیافتد و هرکس بشعله چراغ آنان منزل جوید از راه کمراه میشود

که گفته اند
اذا کان العراب دلیل قوم

سپهدهیم الی ارض البوار
نباید گفت که این قبیل مردم در این خاک باک نیستند بلکه در این مملکت بیشتر از همه جاییدا میشوند چه این قبیل اشخاص دست پرورده استبدادند میوه درخت ستم و بیداد استبداد است که بنامردان میدان میدهد استبداد است که به بیدردان فرصت میدهد و الا مشروطیت و قانون دست دزد را میرد اسباب چینی و تزویر را جلو گیری میکند و حق کسیرا نمیگذارد پایمال شود فاعتر بوابا و ابی الابصار

حبل المتین

مقاله فوق را جناب بینش برویه و استقبال مقاله که صادر

نمره دهم نوشتیم مرقوم داشته و ابدأ شخص خاصی را منظور نکرده اند کسی خیالی نکند و بخود بر ندارد

شکایت

در فصول نظامنامه اسامی که سابقا طبع و منتشر شد مرقوم گردیده که دادن امتیازات چه بداخله و چه بخارجه باید بتصویب مجلس مقدس شورای ملی بوده باشد — در جای دیگر تصریح شده است و مکرر نیز و کلاً و رئیس و حجج اسلام در نطقهای خودشان تصریح نموده اند که رسیدگی بمحاکمات و منازعات خصوصاً مطالب جزئی از وظیفه مجلس خارج است و راجع بوزارت عدلیه یا وزارت داخله است — در موقعی دیگر میفرمایند و تمام اهل علم و دانش را شاهد میگیرند که وظیفه عمده مجلس جعل و وضع قانون است چنانکه تمام پارلمانی دنیا نیز بهین کار مشغول هستند این سه فقره همه صحیح است زیرا که امتیاز از مسائل عمده پلنیک است ممکن است یک امتیاز ملتی را یا مال و ملکی را خراب کنند چنانکه کمپانی هندوستان بوسیله امتیاز تمام هندوستانرا بتصرف انگلیسها داد و میشود امتیازی باعث احیاء ملتی شود لهذا لازم است و کلاً ملت با کمال دقت در این فقره رسیدگی کنند و مخصوصاً در ایران این مسئله یک اهمیتی فوق العاده دارد زیرا تا کنون هر عمل با فائده و پر منفعت بود اجانب بهر حلیله که میسر بود از دولت میگرفتند و چون بول بیش از تجار داخله تعاری میدادند زور هم داشتند همواره از تجار ما جلو افتاده هرچه را میخواستند امتیاز میگرفتند ملت را فقیر و دولت را ضعیف مینمودند و کار بدانجا رسیده بود که همه میدانید و متصل در جرائد میخوانید لهذا صلاح و صواب چنان دانستند که این حق را از دولت سلب کرده بمجلس شورای ملی وا گذارند تا بیول فریب نخورده بای اجانب را کوتاه کند و اگر تجار داخله امتیازی بخواهند بدون طمع به آنان در صورت صحت با شرایط لازمه فوراً امتیاز بدهند تا بدین واسطه ملت صاحب مکت و ثروت گردد و احتیاجات خود را از خارجه رفع نماید و بالطبع و بالتبع دولت نیز قوی و مقتدر گردد — ولی اشتغال بمحاکمات جزئی مسئله مهمی نیست و اوقات مجلسین را که بسیار گران و بر قیمت است تلف میکند مجلس باید در کلیات که بحال عموم ملت راجع است بحث کند و محاکمات امور شخصیه است و خصوصیه بلی اگر یک محاکمه خیلی مهمی باشد مجلس میتواند بعنوان

فوق العاده در او صحبت کند — جعل قانون نیز واضح است که اول تکلیف مجلس و مجلسیان است و در او مجل شك و شبهه نمیرود .

خوب چرا کار بعکس گشته قانون اساسی معطل مراغه این و آن شده است؟ این مسئله بماند بموقع دیگر مقصود اصلی در این مقام آنستکه چرا در عمل امتیاز کوتاهی و مسامحه میفرمایند و نظر توجیهی بجانب او منعطف میسازند مگر از اهمیت و لزوم آن مسبوق نیستند؟ یا باور لازمه نمیدارند؟

مثل آفتاب روشن است که ترقی مملکت بسته بترقی معارف ترقی معارف منوط بترت و زیادتی مطبوعات و جرائد است و این جمله موقوف بکاغذ پس این فقره يك احتیاج بررگی است که نمیتوان از او صرف نظر کرد مثل قند و چینی نیست که فلان افشا بگوید عوض آنها کی بنفته و کشمش صرف میکنیم چار و چهارچراغ نیست که بشود بیه سوز بی پیر مبادله کرد . اهوان تمام دنیا هم گویا تقدیر نباشند که کفای یکروز مطبوعات مملکت متمدن را بنماید — فائده تجارتنی او هم معلوم است باین ترتیب حالیه تا یکساله دیگر مساماً در بلاد ایران صد قسم روزنامه طبع خواهد شد که از هر کدام یومیه چندین هزار نسخه منتشر گردد کتب و رسائل و دفاتر هم بهمین نسبت زیاد خواهند شد در معلم خانها و مدارس نیز یومیه مصارف کاغذ زیادتر است بحساب تخمینی که نزدیک بتحقیق است و تفصیل آن در این جا نوشتن اسباب مال میشود تا یکسال دیگر روزانه دو هزار بند کاغذ مصرفی خواهد شد که قیمت آن تقریباً معادل دو هزار تومان است و سالیانه متجاوز از هفتصد هزار تومان میتوان گفت نصف این مبلغ دخل وفائده است .

حاصل مطلب آنکه اقدام بچنین امری از اول فرائض و واجبات است و تکلیف مجلسیان که خود را خیر خواه دولت و ملت جلوه میدهند آنستکه تجار و وطن را بر این امر و ادار کرده تحریر و ترغیب نمایند و از هرگونه همراهی و مساعدت دریغ نفرمایند مگر يك سر چشمه ثروت بزرگی پیدا کرده و بکراه احتیاج حتمی را از خارج مسدود دارند و مسامحه در این مطلب مورت بسی ضرر و اسباب خیلی خیال است .

در اینصورت جای تعجب است که در دادن امتیاز بکمپانی وطنی که بهمت و غیرت حاجی محمد حسین تاجر کتابفروش کاشانی تشکیل یافته اینهمه غفلت میکنند و تسامح روا میدارند تعجیل در مسئله کاغذ خیلی لازم است اینکار از قبیل امتیاز راه شوسه و راه آهن نیست زیرا که اگر چه راه ساختن فائده بسیار دارد ولی اگر قدری طول

بکشد ضرر محسوس فعلی چندان ندارد ولی بعکس عمل کاغذ اگر یکماه زود تر صادر شود پنجاه هزار تومان ثروت ما بخارجه نمیرود .

حالا اندوره نیست که کارها را بتعالی بتوان تمویق انداخت و در ضمن خدا نکرده بعضی مقاصد انجام داد اگر اندکی در اداء وظیفه کوتاهی شود باعث هزاران خیال گردیده اعتقاد عموم سلب خواهد شد اوقت (علی میماند و حوضش) توام مجلس بهر اهای ملت است همراهی ملت موقوف بحسن اعتقاد در ماده و کلاء و انهم موقوف بحیر خواهی و کلاء محترم است . باری استدعاء عاجزانه ار آن مجلس مقدس آنکه نظر التفاتی بجانب امتیاز کاغذ سازی معطوف فرمایند و گره بسته را از دلها بکشایند و نگذارند مردم در حقیقت سوء ظن پیدا کنند . اگر هم جسارتی در ضمن عبارات شده امید عفو است

استعفاء

چون مسئله استعفاء سعدالدوله شهرتی پیدا کرده و ما از حقیقت امر مسبوق نبودیم از خوف آنکه مبادا سخنان عامه خلاف واقع باشد در مقام کتب حقیقت برآیدم لذا بمنزل مقام له رفته عات استعفاء را استعلام نمودیم صورت استعفاء نامه خود را که در تاریخ ۲۵ ربیع الاول بمجلس مقدس شورای ملی تقدیم کرده اند بمسأ داد که عین آن را با انضاء خود در روزنامه درج نمائیم و هو هذا

(بتاريخ ۲۵ شهر ربیع الاول ۱۳۲۵)

بمجلس محترم شورای ملی

توجهات حجج الاسلام ادام الله ناهم العالی خصوصاً و اقدامات کافه اهالی از هر طبقه عموماً در جانب و طلب این بنده باین مقام ملتزم شکرانه و سپاسی بود که ادای آنرا جز بحقیر شمردن جان و مال و تقدیم عمر و صرف وقت در راه خدمت بوطن عزیز چیزی را قابل ندید بدو و رود بادای این تکلیف برداشته تشکرات قابیهره در محضر نمایندگان ملت بعرض رسانید تا چندی اصوات مشوقانه از دور و نزدیک مهیج قوه خیالی و ناطقه گردیده صرف وقت و فکر را که سرمایه زندگی وهستی است بر خود متحتم شمردم شب از روز و با از سر شناخت و بعقیده قاصر راه سعادت و نجات ملت را می بینم و

غافل از اینکه عبادت معموله مملکتی شدن خدمتم تولید حقد و حسد کرده مورد شتم و ظمن و توبیخ و ملامت و تهمت و ایراد گردیده چنان بنداشته خواهد شد که اقدامات و خدمات این بنده نه فقط منتج نتایج حسنه و فواید عامه نخواهد بود بلکه در لباس اسباب چینی مانع

بیشرفت مقاصد عالی مجلس محترم خواهد گردید
چاره رعایت مصالح عامه و حفظ مقام پیشرفت مقاصد
عالی مجلس را بکناره جوئی خود دیده در نهم سفر
استغای خود را نوشته بمجلس فرستاد جمعی از وکلا
مطلع و مانع از قرائت آن شدند فردای آن روز رئیس
مجلس آمده در نهایت اصرار مجبورم از رفتن بمجلس و
ندادن استعفا نمودند بالجنائی که از ابرام ایشان وامیدی
که باصلاح بعضی ترتیبات داشت تسلیم شدم

تا اینکه عصر روز سه شنبه بیست و سیم این ماه
فروغی از عارضین و جماعتی از انجمنها در بهارستان
اجماع کرده مطالبه قانون اساسی و شکایت از اجحافات
قوام الملك شیرازی و حاجی آقا محسن عراقی و حاکم
ایل شاهسوند بغدادی با عناوین مخالفه نموده و باندازه
در مقام اصرار و فشار برآمده بودند که چنانکه تمام وکلا
مشاهده داشته اند مانع از خروج آنها بودند

نظر بضعف و عارضه درد با این بنده بعد از
اقتضای اجلاس اول برخاسته بود که بمنزل معاودت نماید
جماعت سد راه نموده مانع از حرکت گردیده مقاصد
خود را مصرا در خواست کردند.

چون باحالت قاهتی که داشت قادر باسکات آنها
نبود متوسل بحسن بیان جناب ملك المتكلمین که در
آنجا حاضر بودند گردیده با هزاران نصایح مردم را
بوعده اینکه مستقیماً بوزارت جلیله داخله رفته و عرایض
آنها را ابلاغ و استدعای شخصی خواهد نمود تا درجه
مردم را ساکت نموده منزل وزیر داخله روانه شد
متأسفانه این اقدام مجبوری را که مقصودی جز اسکات
و آسایش مردم و تبلیغ عرایض آنها بشخص اول دولت
نداشت در غیاب این بنده رئیس و عده از اعضای
مجلس محترم حمل باغوی و تحریک و اسباب چینی
نموده و اظهار داشته اند که علت از دحام و اجماع مردم
این بنده بوده است.

اولاً این تهمت را برتست مینماید

ثانیاً چنانکه مکرر گفته ام بر خلاف زعم بعضی
از اجزای مجلس که بر بنده ایراد مینمایند هر وکیلی
حق دارد اعم از اینکه در محوطه بهارستان یا خارچ
باشد اگر بتواند هر قسم شورش و ازدحام را بخواباند
کما اینکه حق دارد با هر وزیر یا سفیری خلطه و
مراوده نماید گذشته از اینکه بحکم طبیعت وکلا باید
در هر موردی موکلین و ملت را بانطق خود نصیحت
کرده آنها را بر حقوق ملی خود مستحضر نموده از
اقدامات خارج از وظیفه معانت نمایند گذشته از این
فقره در هیچیک از قوانین اساسی دول مشروطه حتی

در قانون اساسی و نظامنامه داخلی خودمان اشاره و
قیدی نشده است که وکلا حق نداشته باشند که میان
جماعت در هر نقطه که باشد نطق نموده یا با وزرا و
رجال دولت خلطه و آمیزش نمایند.

لهذا نظر بمروضات فوق با قید قسمی که در حفظ حقوق
ملت و دولت در رتبه تعهد دارد خلاف شرط آدمیت و وطن
پرستی است که بکناره جستن رفع مانع را ننماید باکمال
تأسف از وکالت و وظیفه مقدس خود استعفا جسته از
خدایوند مسئلت مینماید که نیت مقدس مجلس محترم را
در اصلاح امور وطن مؤید فرماید (سعدالدوله)

ترجمه تاسکرافات خارجه

۳۱ ربيع الاول

لرد نایب الحکومه ایرلند نمایشگاه بین الملل دولین
را افتتاح کرد

کشتی که در خلیج یسکای آتش گرفته و در تاسکرافات
پیش کفتم اول کشتی است که پس از نسخ قانون منع حمل ترین
از بندر سوئز عبور کرده با داره بیمه از این بار صد و هفتاد
هزار لیره خسارت وارد آمده

بواسطه تغییر هیئت وزارت بلژیک که رئیس آن
دو روز است و از فرار معاوم هواخواه سیاست حکومت مطلقه
لثویولد بر کونکوست روزنامه ای انگلیس مینویسند که
دولت بریتانیا بدون نظارت پارلمان بلژیک الحاق کنکو
را بداد مملکت رضا نخواهد داد و اگر کار بر وفق
دلخواه بگذرد بیم است که دست مداخلت دراز نماید
مخبر رونر از قاهره مینویسد که دیروز وقت شام
لرد کرومر رسماً مصر را وداع گفت در ابرام مجلس با
شکوهی بر بابود مشارالیه در نطق خود ترقیاتیرا که در
زمان اقامتش برای مصر دست داده بیان نمود

و والا حضرت خدیورا خطاب کرد که در ترقی
اخلاقی مصریان بکوشد اسباب چینی مشاورین مفرض را
نکوهش کند نیز اظهار داشت که وضع حکومت حالیه
مصر با تصرف انگلیسان باید همیشه برقرار داشت هر
چند بعضی عیبها در آن متصور است

ارشیدالدیقل که از چین بلندن برگشته با مخبر رونر
مذاکره نمود که سؤال دولت چین در باب کم کردن حمل
تریاک بیمعنی است آنچه امروز از هند بدانجا تریاک
میفرستند فقط برای مصرف سواحل خیلی کمتر از مقداری
است که در آنجا صرف میشود نیز میگوید که دولت تا
مطمئن از ترك تریاک در چین نشود نباید زراعت انرا
در بند کم کند

حسن الحسین الکاشانی